

الْقَيْنُ : كَلْبَانٌ لَهُ (آمانه ۲) / يُعْمِدُونَ السَّيِّئَةَ : عَاذُوا بِرَبِّهِمْ دَانَهُ / وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَزَكَاتٍ زَائِدَةٍ (نارسته مرتبه ۳) / وَهُمْ وَالْعَوْنُ : در حالی که در رُوع هستند / تَشْتَعِقُ فَرَسًا حَارًّا زَائِدًا :

مرتبه ۱۰ - در حال رُوع کردن عَاذُوا بِرَبِّهِمْ ناروست است

مرتبه ۲۰ - در حال رُوع هستند ناروست است

مرتبه ۳۰ - زَكَاتٍ حُودُ زَائِدَةٍ است و ضمیمه الزَّكَاةَ تَقُولُ تَدَاهُ است

۲۷ - مرتبه ۱۰

لَمَّا : وَقْتُهُ (آنچه) / دَخَلْتُ الْمَلْبِئَةَ : وارد کتابخانه شدم : الْمَلْبِئَةُ معرفه است و ترجمه آن به صورت کتابخانه است (نارسته مرتبه ۳ و ۴) /

طَلَابًا : (اسم نکره) دانش آموزان (نارسته مرتبه ۲ و ۳) / يُطَالَعُونَ : (جمله وصفیه) : مطالعه می کردند (نارسته مرتبه ۲ و ۳) / دُرُوسِهِمْ : دروس های خود را

بِحَيْثُ : با حقیقت

لَمَّا : در صورتی که جمله وصفیه مثل مضارع است و این از فعل ماضی بیایه معارفه ماضی استمراره فارسی ترجمه خواهد شد . (ماضی + مضارع = ماضی استمراره)

۲۸ - مرتبه ۳۰

مَنْ : كَسْبُهُ (هر کس) / اَبْتَقَهُ (فعل شرط) : دور رسد (در رسد) (نارسته مرتبه ۳ و ۴)

او ۴) / عَنْ الْأَسْيَالِ النَّضَّائِي : از فواصن های نضائی / شَقَابًا : در جوانی

نارسته مرتبه ۳ و ۴) / دُعِيْلٌ عَلَى الْعِلْمِ الْعَاقِبَةِ : و به علوم سودمند در پی آورد

نارسته مرثیه ۲) / تَقَلُّبٌ : امید است / تَقَلُّبٌ : قلب او / مَعْلَمٌ : ایمان (مثل مجول) :
از ایمان پُر شود (نارسته مرثیه ها ۲ و ۳)

۲۹- مرثیه ۲۰

المفردات التي: طائفة كـ (دوازدهمین) / تَدَقُّقُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ : وارد زبان عربی است
نارسته مرثیه ها ۳) / مِنْ لُغَاتٍ أُخْرَى (نمره) : از زبان های دیگر (نارسته
مرثیه ها) / وَتَقْتَبِرُ : تغییر کند (نارسته مرثیه ها ۴) / حُرُوفٌ وَأَوْزَانٌ :
حروف و اوزان آن / وَفِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ : طبق زبان عربی (نارسته مرثیه ۴) /
تَشْمِيسٌ (مثل مجول) : نامیده می شوند (نارسته مرثیه ها ۱ و ۳ و ۴) / الْكَلِمَاتُ
العربية : کلمات عربی

۳۰- مرثیه ۴

يَلُونَ لِي : دارد / الْكُتُبُ وَالْمَقَالَةُ الْعِلْمِيَّةُ : کتاب و کتاب خوانی / دُرٌّ مَهْمٌ (نمره) :
نقش مهم / فَمَا زِدْنَا الْعَرَفَةَ : در زیاد شدن شناخت / دَقِيقَةُ الْعَمَلِ : وسیردی
مهم / وَرَبِّمَا : وجهیسا (نارسته مرثیه ها ۲) / يُغَيِّرُ : تغییر دهد (نارسته
مرثیه ها ۲) / أَسْلُوبُ الْحَيَاةِ : روش زندگی (نارسته مرثیه ۳)

۳۱- مرثیه ۱

لَا شَيْءَ (لاهی نفس جنبه) : هیچ چیزی نه نیست (نارسته مرثیه ها ۲ و ۳) /
أَحْسَنُ (اسم تفضیل) : بهتر / مِنْ الشُّعُورِ وَالرَّغَبِ وَالرَّهْمِ وَالنَّهْمِ (هر سه جمع مکرر) :
نقش ها و نقاشیها و جنبه ها / لِيَسْتَعْمِلُوا : برای آنکه استفاده کنند (نارسته مرثیه ها ۲ و ۳)

إلى سَفِّ الحضارات القديمة: به سَفِّ تمدنهای باقیم (۳)

۳۲ - نرسینه - ۱

لَمَّا: وَقْتَهُ (مضارع) / وَصَلَتْ: ارسیم (نارسینه نرسینه ۳) / إلى المَلْجَأِ الْمُقَدَّسِ

الَّذِي: به ینا هُجَاءَ مُقَدَّسٍ كَرِّمٍ / كَانَتْ يَقَعُ: قرار داشت (نارسینه نرسینه طار ۳ و ۲)

عُنُقِ جِبَلٍ مَرْتَعٍ: بالابه کره بلند (نارسینه نرسینه ۳) / رَأَيْتُ: دیدم (نارسینه نرسینه

۴) / أَنْتَ لِأَيْبُلَ إِلَيْهِ: که فقط ... به آن می رسند (به آن نمی رسند به چیز ...)

(نارسینه نرسینه ۲ و ۱) / إِيَّا مَنْ لَمْ يَعْوَذْ أَلْسُرَ: کسانی که قدرت سستی دارند

(نارسینه نرسینه ۴)

نَلْتَمِسُ دَرْسًا: در جملاتی که در آن حضور است لازم است قید فقط یا تنها قبل از سستی

(طله این از ای) قرار نرسیده

۳۴ - نرسینه - ۴

إِذَا (از ادوات شرط): همراه / تَوَقَّعْتُ: انتظار داشتی / التَّجَاجُ: سوختن /

فَلَاتِيَأْسُزْ مَا يَأْسُزُ مَسْئُو / مِنَ الْمُحْصُولِ عَلَيْهِ: از به دست آوردن آن

(مقل نه جواب شرط)

تشریح نرسینه های دیگر:

نرسینه - ۱ - خود را ... بشماره خواهد آورد نارسینه است. و فعل يُعَوِّذُ مقل محمول است

ترجمه صحیح آن از تیکه کاران شده می شود است.

نرسینه - ۲ - مظلومان جهان نارسینه است. ترجمه صحیح: مظلومان در جهان همه نیستند

لذا زیر بار ستم زده می مانند.

نرسینه - ۳ - صبر هم در صیانت هم بوده است. ترجمه صحیح: لانتم به معنی چونکه آنها صبر

ترجمہ صبیح: ایسا درخت لیسان حقیقہ مستند زیرا آنرا اوقات فرد را تباہ نمائند.

۲۴ - لغت: ۲۰.

لا یضیق: شدت نه شود / دعاؤ ایدلم: طرف علم / یما: به آن چیز / جعل فیها (من جمول)
فکره دکان قرار داده شده .
تشریح لغت: هار آریز

لغت: ۱. غُضِبْتُ غلی مجول است به معنی برهم نهاده شد هم چنین روش فاعل است نه
مفعل . ترجمہ صبیح: چشمش برهم نهاده شد از آن چه پروردگارش نخواستند .

لغت: ۳. هناك: در ابتدای جمل غالباً به معنی وجود دارد ، صحت ترجمہ بر صورت هم چنین
قرآناًها غلی ماضی است به معنی آنرا خواندیم .

ترجمہ صبیح: حجره های سفیدتر از کتاب های وجود دار که آنجا را خواندیم .

لغت: ۴. لا تُعْطِنَا: معنی ما را بی نیاز نمی کند صبیح است .

ترجمہ صبیح: خواندن در طول (دردن) زدن ما ، ما را از اندیشه کردن بی نیاز نمی کند .

۲۵ - لغت: ۲۰.

سقوط جوجه ها (ترکیب اضافی): سقوط الفرائخ / منظره بسیار ترسناکی است
(ترکیب وصفی و خبری) ! مشهداً مُرعباً جداً (نادرستی یا برتری ط)

ولی گریزی از آن نیست: ولكن لا فرار منه (نادرستی لغت: طاه اوع)

توجه! حقاً زرافه حیوانی با نیروی دراز و قدیم‌های بلند است و اگر بلندترین می‌تواند عالم است، و از آن بوی در تریک‌ها بسته شده است. همین جهت می‌تواند در مناطق خشک زندگی کند. اما در آن راسیایه از آن بسیار باخورد. و از تریک‌ها جدید و فشان تقدیم شده و کیفیت جستن در خوردن آن به او کمک می‌کند!

زرافه به ناچار باید بین دو پا جلوس فاعلم بیانه از تا دهانش بسطیح آنها برسد و به وضع اولش برنگردد. غیر مستقیم، از آنچه در در معرض شعاع قرار می‌دهد در حالی است که او در آن حالت است! سرست زرافه بر اثر حرکت دفرار بسیار ریشته از حیوانا شده است. و بدینش نقش‌های است که به او در مخفی شدن بیرون در فشان کمک می‌کند. زرافه در درشن متحرک بران نشین جهت عصار دارد!

۳۴ - ترمیم ۳۰.

زرافه قوت‌های بسیار بر تریک‌ها شده دارد ...

با ترمیم آنچه در متن آمده است چونکه آن موجود در تریک‌ها شده است راسیایه بر طرف‌ها شریع‌ترین‌ها در تریک:

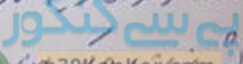
نرسه ۱- وی او هنگامی که به آب می‌رسد از آن زیاد نمی‌نوشد (با ترمیم جمله نامرست است)

نرسه ۲- چونکه در تریک‌ها تازه (جدید) آن بیار است و او فقط از آن‌ها تغذیه می‌کند (در متن اشاره می‌شود که ~~فقط از تریک‌ها تغذیه می‌کند~~ فقط از تریک‌ها، جدید تغذیه می‌کند نشه ۱۵)

نرسه ۳- او نمی‌تواند در مناطق خشک دراز رود خانه‌ها زندگی کند (با ترمیم متن نامرست است)

۳۷ - ترمیم ۳۰. به سؤال نامرست است در استقامت با پیش ترمیم (در هم)


با هاله زرافه بلند است و این ... (سؤال ترمیم نامرست است را می‌فراهد)



باعث مشکل در نشین آن بر این www.pzkonkur.com در میان جلوس فاعلم می‌اندر (در)

بنا بر تجربه به آن وجه درفته آمده است که طاعت است زیرا او به سستی به حالت شکر و تعجب و
تشریح فرزند هار و تیر.

- ۱. فرزند ۱. و این مانع بران قرار می‌گیرد از دشمنان با وجود اینکه سرفتن بسیار زیاد است.
 - ۲. فرزند ۲. و این وسیله بر اساسی بران آسان کردن فرزند و در وقت از دشمنان است.
 - ۳. فرزند ۳. و این سبب شمارد که به آسانی می‌رسد و خواسته آن برسد و ماعلا سیر شود.
- (به نظرم سؤال نامست است و ما جای عین الخطأ باید عین الصیغ باشد و فرزند ۳. صحیحاً فرزند صیغ صحیح است)

۳۸ - فرزند ۱. اه
 زرافه ها کلانترین جان جدیدی تقدیم کند زیرا ... (نام مستعار)  مفاده

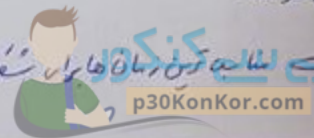
لوشن خوشتره است و حیوانات قوی او را شکار می‌کند. (در متن اشاره کردیم به طعم
 فرزند زرافه نشده است)
 تشریح فرزند هار و تیر:

- ۱. فرزند ۱. زیرا او کردن بلند دارد و به وسیله آن سرش را بین شاخه ها دراز می‌کند و
- ۲. فرزند ۲. زیرا او کردن بلند دارد و به وسیله آن سرش را بین شاخه ها دراز می‌کند و
- ۳. فرزند ۳. زیرا او باها می‌س به او در آبی کار می‌فریب کند می‌کند.
- ۴. فرزند ۴. زیرا بدنش بلندتر از حیوانات است که در قبیل زندگی می‌کند.

۳۹ - فرزند ۳.

سؤال نسبت را درباره زرافه ها مفاده.

بنا بر تجربه به آنچه در متن آمده است که طاعت است زیرا او به سستی به حالت شکر و تعجب و
 او آب می‌نوشد.



۱. ترسے جان تیز و قویا سمندہ جوتے متروکند۔ (در متن اشاره ان به تیز بودن ترسے جان زرافند شده است)
۲. در به آسانه آب جوتے زرا تران بلندہ دارد۔ (با ترجمہ به متن نادرست است)
۳. نقش جان کہ بر برش است به اورده مضمرندہ از دشمنان کن ہوکنہ۔ (در متن اشاره به مضمر شدن دشمنان شده است)

۱. ترسے ۲۰ تساعده فعل خارج، للذاتية، تلامذہ غیر از ان فاعله معلوم است

ترسے ۱. من وزن تفاعل نادرست است و تساعده از وزن مفاعله است۔
۲. للمخاطب نادرست است۔

۳. من وزن تفاعل و مجهول نادرست است۔

۴. ترسے ۲۰

تتمتیک: فعل خارج، للذاتية، تلامذہ غیر از ان فاعله الازرافة است۔

تشريح ترسے جان تشر

ترسے ۱. فاعله اذنين نادرست است و الازرافة فاعله است۔

۲. مجهول نادرست است۔

۳. للمخاطب نادرست است۔

۴. ترسے ۲۰

العالم: اسم مفرد مذکر، معرضه ال، الازرافة و مجرد به حرف جر است

تشريح ترسے جان تشر

ترسے ۱. اسم فاعل نادرست است۔



۲. خبر بران مبتدا، خبر بران مبتدا

۳. اسم فاعل نادرست است۔

۴۳ - تَرْسِخ ۲.

سؤال تَرْسِخ نامت را به ضبط حرکات کلمات بنویسید.

تَرْسِخ ۲. تَرْسِخ فعل مضارع از باب انتقال است و شکل صحیح آن

تَرْسِخ است، هم چنین الاستحسان مصدر باب انتقال است و شکل صحیح آن الاستحسان است.

۴۴ - تَرْسِخ ۳
سؤال متضاد بنویسید
تَرْسِخ را که بدان

در این عبارت بین بدایه (آغاز) و نهایه (پایان) تضاد وجود دارد.

۴۵ - تَرْسِخ ۴.

سؤال تَرْسِخ را در فراهد که بدان جمع مؤنث عالم بنویسید با

تَرْسِخ ۴. الإدارات جمع مؤنث عالم در فردش الإدارة است.
تشریح تَرْسِخ ها را بنویسید:

تَرْسِخ ۱. الأصوات جمع مکرر صوت است.

تَرْسِخ ۲. أوقات جمع مکرر وقت است.

تَرْسِخ ۳. الأبیان جمع مکرر «بیت» است.

۴۶ - تَرْسِخ ۱.

کلمه خیر، امر به معنی بهتر یا بهترین است اسم تفضیل است.

تَرْسِخ ۱. الحیدر به معنی خوبتر است و اسم تفضیل است (خوبتر از خیر است که



اتفاق افکار)

قریش ۲۔ بہترین عربی کسی کے کہ خواہی را بہ کار خیر مجبور ہونے (عبدالول اسم تفصیل کے)

قریش ۳۔ بہترین کارہا سب سے بہترین آن فال کے۔ (خیر اسم تفصیل کے)

قریش ۴۔ درست دارم کہ یہ انجام بہترین کارہا لہذا ہی پیر لازم۔ (خیر اسم تفصیل کے)

۴۷۔ قریش ۵۔

سوال قریشی اس را فرادہ کہ نون وقایہ در آن نیامده باشد .

۴۸۔ قریشی ۱۰۔ اُحْصِیْ فَعَلَ امر از باب افعال و برای مقرر مؤنثہ تکمیل کے در حرف نون . جزو حرف اصل فعل (حس) کے .

نکتہ درس : نون وقایہ میں فعل و ضمیر ہی . متکلم وحدہ بہ کار ہی رود .

۴۸۔ قریش ۳۔

۴۹۔ قریشی ۳۔ میں نُجِبْتُ وَ تَبِعِي از نظر ساختار تناسب وجود ندارد ہم جین حرف اُنْ فعل مضارع و منصوب تکمیل کے در صیغہ اُنْ تَتَوَقَّلُ است .

۴۹۔ قریش ۲۔

سوال قریشی اس را فرادہ کہ جملہ وصفیہ در آن باشد .

در این عبارت بنیاداً مقدس اسم نکرہ است و جملہ فعلیہ بنیاداً ... جملہ وصفیہ است .
(کعبہ شریف بنای مقدس ہے کہ ابراہیم علیہ السلام نے اسے (ساخت)

تشریح قریشی ہاں آئیر :

قریش ۱۔ حامداً معرفہ علم اس کے

قریش ۳۔ حافظہ و عارفاً ہر دو علم ہونے

قریش ۴۔ صادق و مقبول ہر دو علم ہونے



صدر کے طوالت قریشیوں اور ان کے فواہد کہ دست را بد قصہ کہ تائید شدہ اسے
 داخل پراثر متفقہ کر رہا ہے۔

در این عبارت این از حروف مشبہ بہ فعل است و الله را تائید کر رہا ہے
 تشریح قریشی طوالت:

قریش ۲۰. حمایہ مفعول مطلق تائید کر رہا ہے فعل اجنبی را تائید کر رہا ہے۔

قریش ۳. تعدد و فعل خذرتی را بد سے۔

قریش ۴. این از حروف مشبہ بہ فعل است و العلم را تائید کر رہا ہے۔